

## کارکردهای عناصر رجز و تهییج در شعر انقلاب و دفاع مقدس با تکیه بر اشعار سپیده کاشانی

مجید منصوری (استادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان)

چکیده

از روزگاران اسطوره ای تا با اکنون استفاده از شعر و کلام منظوم تأثیر شگرفی بر روحیه سربازان و نیز ایجاد رعب و وحشت در میان سربازان دشمن داشته است. شاعران متعهد انقلاب و نیز شاعران دفاع مقدس بیش از همه به دو ویژگی شعر توجه داشته اند؛ عنصر رجز و نیز جنبه های تهییجی شعر و تأثیر آن بر مخاطبان. رجز و رجزخوانی در شعر دفاع مقدس دگرذیبی هایی نسبت به رجز در متون حماسی دوره های گذشته پیدا کرد که مهم ترین آن رنگ دینی و مذهبی آن است. در این مقاله به دو ویژگی رجز و تهییج در اشعار سپیده کاشانی پرداخته شده است و تلاش گردیده بر پایه شواهدی از شعر وی، نقش شعر و ادبیات در دفاع مقدس و تقویت روحیه رزمندگان در جنگ با عراق و برخی موارد دیگر، نمایانده شود.

کلیدواژه ها: رجز، تهییج، شعر دفاع مقدس، سپیده کاشانی.

مقدمه

فرهنگ های لغت رجز را شعری نامیده اند که در هنگام جنگ برای مفاخره خوانده می شود. ربک (فرهنگ معین: ذیل رجز). درجایی دیگر رجز چنین تعریف شده است: «می توان رجز را سخنانی نامید که هماوردان پیش از نبرد، برای ایجاد رعب و وحشت در حریفان و تحقیر و ترساندن دشمنان و تضعیف روحیه آنان بر زبان می آورند» (سنوده، 1374 : 237). رجزخوانی از آداب مسلم جنگ بوده و دو مبارز ناگزیر از پرداختن به آن قبل از نبرد بوده اند. در واقع رجزخوانی بخشی از تاکتیک رزمی جنگاوران برای در هم شکستن روحیه دشمن است. از دیدگاه روانشناختی، در رجزخوانی از یک سو می توان غرور گوینده و اطمینان او از شکست دادن حریف را مدنظر داشت و از سوی دیگر دلهره و ترس پنهانی گوینده را از شکست خوردن در ویرای سخنان او دریافت و رجزخوانی را پوششی برای پنهان نمودن این ترس دانست. ر. ک. (فلاح، 1385 : 108) و (صفا، 1363 : 26).

رجز و رجزخوانی غالباً در هنگام جنگ ها و نبردها کاربرد داشته است. به همین دلیل است که یکی از اجزای لایپنک حماسه ها و آثار حماسی را رجز

و رجزخوانی های پهلوانان تشکیل داده است. «رجزخوانی از مختصات سبکی حماسه به شمار می رود» (شمیسا، 1373 : 99)؛ همچنین ر. ک. (بهار، 1373 : -249 250)؛ بنابراین یکی از قواعدی که در جنگ های حماسه ها کاربرد بسیار داشته و در نبردهای پیشرفته امروزی نیز کاربرد دارد، رجزخوانی است و به همین دلیل، حماسه های بزرگ جهان، سرشار از رجزهای پرشور و دل انگیز پهلوانان است. در دوران معاصر و تهاجم عراق به سرزمین ایران شاعران انقلابی تلاش کرده اند با شمشیر شعر و سخن، رسالت و وظیفه شاعری خود را که عبارت است از در خدمت مردم و اجتماع بودن، به نحو احسن به انجام رسانند. اشعاری که خطاب به دشمنان داخلی و خارجی سروده شده است، غالباً خصوصیت رجزگونهگی دارند و شاعران با استفاده

از روش های رجزخوانی و انواع رجز، گام هایی را در جهت ترعیب و تحقیر و تضعیف روحیه دشمنان برم یداشته اند. حال اگر همین اشعار خطاب به مردم خودی و تهییج آنها به نبرد با دشمن و قیام و مقابله با استکبار سروده شود، شاعر با استفاده از اشعار خود و فن های گوناگون آن، در تهییج

و تجمیع نیروهای خودی و بالا بردن روحیه آنها در برابر دشمن، تلاش می کند. در اینجا باید اشاره کنیم که رجزها و اشعار تهییجی در ادبیات انقلاب اسلامی نوعی دگرذیبی و تحول خاص را نسبت به اشعار اسطوره ای قدیم دارد و آن عبارت است از جنبه های دینی و مذهبی این دسته اشعار.

به عنوان نمونه نقش واقعه عاشورا، بزرگ ترین حماسه تاریخ و پیدایش انقلاب اسلامی و نیز رهبری امام خمینی (ره)، در پیدایش رجز و رجزخوانی- های شعر جنگ انکارناپذیر است.

اجزا و اهداف رجزخوانی

رجزخوانی به صورت های مختلفی انجام می شود و دارای اجزایی است که به کلیت این اجزاء، رجزخوانی اطلاق می شود. در اینجا فهرست وار به برخی اجزای رجزخوانی اشاره می کنیم و در بخش تطابق آن ها با شاعران مختلف، به معرفی و تعریف هر مورد، خواهیم پرداخت. مهم ترین عنصر در رجز، مفاخره است. «مفاخره: مفاخره شعری را گویند که شاعر در مراتب فضل و کمال، علو طبع، عز تنفس، شجاعت، سخاوت، افتخارات قومی و خانوادگی و در شرح نسب و کمال حسب خویش سروده است» (داد، 1382: 444، ذیل مفاخره). مفاخره تا قرن چهارم و پنجم هجری جز در حماسه و اشعار پهلوانی، آنهم از زبان پهلوانان، رواج نداشت؛ اما از قرن ششم به بعد به لحاظ نفوذ ادبیات عرب، مفاخره و خودستایی به شعر فارسی راه یافت و در شمار انواع شعر فارسی درآمد. (همان). البته مفاخرات در اشعار شاعران متعهد انقلابی، هم در ببحوۃ انقاب و هم در زمان جنگ، اختلاف هایی با مفاخرات در متون حماسی دارد. مهم ترین ابعاد مفاخره های سپیده کاشانی در محورهایی همانند تفاخر به خاک و وطن، تفاخر به شهادت، تفاخر به شجاعت، تفاخر به پیروزی از امامان و پیامبر و... است.

سایر محورهای رجز و رجزخوانی و کارکردهای آن، استهزاء حریف، سرزنش مخاطب، تهدید مخاطب، تشجیع مخاطب و تهییج مخاطب است. افزون بر همه این ها شعرهایی که امروزه در راهپیمایی ها و مناسبت های گوناگون علیه مستکبران جهان سر داده می شود، یک نوع از رجزخوانی به حساب می آید. بعلاوه حضور چشمگیر مردم در این راهپیمایی ها مکمل شعارهای

رجزگونه است و در دل دشمنان رعب و وحشت ایجاد می کند. رجزخوانی و انتخاب اسلامی رمز و شعارهای رزمی از عوامل عمده تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن هست. شعار از دید اسلامی سخنی است که با آن افراد جبهه خودی شناخته شده و علامت و رمزی در آن نهفته است.

(نوروزی، 1372: 64). به همین دلیل است که امروزه رجزخوانی برای دشمنان، غالباً در قالب سردادن شعارهای مختلف، قابل مشاهده است.

خاصیت تهییج و برانگیزانندگی از ویژگی های اصلی و اساسی شعر است؛ به عبارت دیگر می توان گفت: شعری که جنبه تهییجی را در درون خود نداشته باشد، شعر نیست. نظامی عروضی در کتاب ارجمند چهارمقاله، شعر را بر اساس ویژگی تأثیر آن بر مخاطب چنین تعریف کرده است: «شاعری صناعتی است که شاعر بدان... به ایهام قوت های غضبانی و شهوانی را برانگیزد تا بدان ایهام طبع را انقباضی و انبساطی بود و امور عظام در نظام عالم سبب شود.» (نظامی عروضی، 1366: 43). در اشعار دهه پنجاه و شصت و سال های پیش از انقاب جنبه های تهییجی و انگیزشی در اشعار شاعران متعهد مقاومت بسیار بالا است. همین کارکرد شعر و ادبیات اندکی پس از پیروزی انقلاب و هجوم عراق به کشورمان با اندکی تغییر همچنان بر جای خود باقی ماند و تنها نوع دشمن در این شعرها تغییر پیدا کرد؛ یعنی تهییج به قیام در قبال دشمن داخلی و حکومت پهلوی، جای خود را به تهییج و قیام و دفاع در برابر دشمنان متجاوز یعنی داد.

### کارکردهای رجز در شعر سپیده کاشانی

همان گونه که پیش از این در جای خود، بحث کرده ایم، قسمت قابل ملاحظه ای از ابزارهای رجز و رجزخوانی را مفاخرات مختلف تشکیل داده است. رجزگونه اشعار سپیده کاشانی نیز غالباً مدیون همین مفاخرات اوست. رجزخوانی های کاشانی اکثراً در مقابل دشمنان داخلی، یعنی رژیم ستم شاهی پهلوی و در برابر دشمنان خارجی، خصوصاً رژیم صدام و رژیم صهیونیستی، انجام شده است. در ادامه این بخش، بر اساس طبقه بندی و دسته بندی رجزهای سپیده کاشانی، اشعار رجزگونه وی را مورد تحلیل قرار داده ایم.

### مفاخره

#### الف. تفاخر به خاک و وطن.

اوج مفاخره و افتخار به خاک و سرزمین و حب وطن را می توان در شعر زیر از سپیده کاشانی دریافت. این شعر بسیار معروف در بحر متقارب مثنی سالم، با لحن حماسی خاص خود، می تواند به عنوان یک سرود رجزگونه و یک رمز پیروزی در نبردها، توسط رزمندگان ایران زمزمه شود. شعر موردبحث، به صورت مستقیم دشمن را مورد مخاطبه قرار داده و بر او یادآور شده که یک ایرانی در برابر متجاوزان به آب و خاک و سرزمینش، تسلیم نخواهد شد.

به خون گر کشتی خاک من دشمن من

تتم گر بسوزی به تیرم بدوزی

کجا می توانی ز قلم ربایی

بجوشد گل اندر گل از گلشن من

جداسازی ای خصم سر از تن من

تو عشق میان من و میهن من

(کاشانی، 1389 : 104 )

در بحبوحه جنگ تحمیلی و اشغال منطقه وسیعی از میهن مقدس ایران به دست تجاوزگران بعثی، یکی از مضامینی که در شعر بالیده شد و مورد اهمیت قرار گرفت، تفاخر به خاک و سرزمین و مخصوصاً شهر خرمشهر بود. بعد از پس گرفتن خرمشهر به دست رزمندگان ایران، از عناصری که تفاخر به خاک این شهر مقدس را تا حدود زیادی بالا برد، ایستادگی و مقاومت مردم این شهر در برابر متجاوزان بود. از سوی دیگر، خرمشهر سرزمینی بود که خون بسیاری از شهیدان را در خاک خود داشت و همین امر، دلیل مفاخره هم هجانبه به خطه خرمشهر به شمار می رود. سپیده کاشانی در ابیات زیر، با استفاده از همین ویژگی ها به خرمشهر تفاخر کرده است.

ای شهر خرمشهر ای خاک گهر خیز

خاکت ببوسم خاک تو بوسیدنی شد

ای قلّه ایثار و محراب عبادت

ای سینه پر آذرت از قصه لبریز

گل های خرمشهر من بوییدنی شد

آه ای مقاوم شهر ای شهر شهادت

(کاشانی، 1389 : 172 )

و در ابیات زیر، هم می توان همین نکته را مشاهده کرد، کاشانی در اینجا، تقدس بسیار بالایی به خاک خرمشهر بخشیده و از رهگذران خواسته که بی وضو قدم در شهر خونین شهر نگذارند.

ای که گذر داری از آنجا بگو

ساحت این شهر مصلاهی ماست

کس نزند گام در آن ب یوضو

خلوت هر عارف و بیت خداست

(کاشانی، 1389 : 208 )

در ابیات زیر نیز می توان همین نکته را مشاهده کرد:

بر توای خاک سرخ آبادان

باد از ما درود بر تو درود

بر توای سرزمین جاویدان

سر گردنکشان نگر به فرود

(کاشانی، 1389 : 201 )

طبق اشعار کاشانی آشکار است م‌یشود آنچه به خاک ارزش و تقدس می بخشد، لاله های خونی نکفنی است که در دل خاک خفته اند:

باغ گل های پرپری تو هنوز

شهر من، لاله پروری تو هنوز

(کاشانی، 1389 : 202 )

#### ب. تفاخر به شهادت و داشتن شهیدان والامقام.

در دین مبین اسلام، والاترین مقام را جهادگران و شهیدان راه حق دارند. در شعر سپیده کاشانی تفاخر به شهادت تا حدود بسیار زیادی انعکاس یافته است. در ابیات زیر، آرمان یک ایرانی مسلمان، شهادت دانسته شده است.

مسلمانم و آرمانم شهادت

میندار این شعله افسرده گردد

تجلی هستی است جان کندن من

که بعد از من افروزد از مدفن من

(کاشانی، 1389 : 104 )

در این ابیات که ظاهراً برای شهدای جاویدالائثر سروده شده، ضمن تفاخر به مفقود بودن جسم این شهیدان، به همت و تلاش والای این شهیدان جان برکف، تفاخر می شود.

کس نشنیده است حبیب وطن

این عجب از قصه مردان توست

همتشان طارم انجم گرفت

در وطن خویش غریب وطن

راز شگفتی ز شهیدان توست

تربتشان خاک تیمم گرفت

(کاشانی، 1389 : 208 )

در شعر رجز گونه زیر که بابیانی مستقیم به رجزخوانی با دشمن پرداخته، به نسل و تبار و سرزمین خود افتخار و نازش کرده و اصل نیکو را سبب، تسلیم نشدن درنبرد عنوان کرده است.

من آزاده از خاک آزادگانم

جز از جام توحید هرگز ننوشم

گل صیر می پرورد دامن من

زنی گر به تیغ ستم گردن من

(کاشانی، 1389 : 104 - 105 )

### ج. تفاخر به رهبری و پیروی از خط رهبری.

از تکیه گاه های مهم و اثرگذار هر ملت و سرزمین، رهبری واحد است. حال اگر همین رهبر، امام خمینی (ره) و یا رهبر معظم انقلاب باشد، هر شاعر و سخنوری در مقابل تهدیدات بیگانگان یکی از پایه های رجزها و مفاخرات خود را نازش به داشتن چنین رهبرانی، قرار خواهد داد. در شعر زیر، رهبر ایران که از نسل رسول خدا (ص) است، به منزله فانوسی دانسته شده در شب تاریک گمراهی ها که قافله ایران را به سرمنزل مقصود رهنمون می کند.

آتش این قافله روشنگر ست

با درایش نغمه هشیاری است

رهبرش ذریه پیغمبر ست

در غبارش سرمه بیداری است

(کاشانی، 1389 : 137 )

بلند اخترم رهبرم از ره آمد

بهارست و هنگام گل چیدن من

(کاشانی، 1389 : 105 )

### د. تفاخر به پیروی از امام علی (ع) و پیامبر اسلام (ص).

یکی از ابعاد رجزخوانی های سپیده کاشانی برای دشمنان، تفاخر به شیعه بودن و پیروی از امام علی (ع) است. به همین دلیل در بیت زیر که ویژگی رجزگونی دارد، رهبر و پیش قراول پنهان لشکر ایران، امام علی (ع) دانسته شده و به آن تفاخر ورزیده شده است.

هست در این جبهه علمدار ما

میر نجف، حیدر کرار ما

(کاشانی، 1389 : 206 )

در بیت زیر نیز به مسلمان بودن و پیروی از پیامبر اسلام (ص) تفاخر شده است:

خصم دون ما امت پیغمبریم

شکوه از تو سوی داورم بیریم

(کاشانی، 1389 : 137 )

### ه. تفاخر به پایداری.

در اشعار سپیده کاشانی، توجه به زن و زنان جامعه از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. در شعر بسیاری از شاعران مذکر، توجه کمتری به زن و زنان در زمان جنگ تحمیلی شده است، درحالی که همین زنان هستند که سربازان و رزمندگان را در دامان خود پرورش می دهند.

تو از کدام تباری زن زمانه ما

ز استقامت و صبر و ز پایداری تو  
قیام قامتت ای زن چه شورها انگیخت  
که گشت همت و ایثار تو فسانه ما  
شده است لانه خورشید آشیانه ما  
در آفتاب ستم سوز جاودانه ما  
(کاشانی، 1389 : 25 )

به سبب همین پایداری است که پیروزی در نبردها به دست می آید. در شعر زیر، دلیل زبونی دشمن فریبکار، پایداری مردم مسلمان ایران معرفی شده و به همین صبر و پایداری، تفاخر ورزیده شده است.

ای رهگذار پرسی از حال ما که چون است  
در نینوای ایران کشتند عاشقان را  
از پایداری ما خصم دغل زبون است  
ما روزه دار عشقیم افطارمان ز خون است  
(کاشانی، 1389 : 29 )

#### و. تفاخر به پس گرفتن سرزمین های اشغالی.

یکی از آرمان ها و اهداف شعر مقاومت و پایداری معاصر، آزادی قدس شریف و قبور متبرکه در حصار سرزمینه ای اطراف از دست رژیمان حاکم بر آن کشورهاست. در ابیات زیر شاعر به پس گرفتن این سرزمین ها مخصوصاً قدس شریف از چنگال رژیم صهیونیستی، برای دشمن رجزخوانی کرده است.

می رویم آری به سوی کربلا  
تا به صبرا و شتیلا م یرویم  
گر بیارد ز آسمان ابر بلا  
تا دیار قدس اعلا م یرویم  
(کاشانی، 1389 : 137 )

#### ز. تفاخر به شهیدان و دلآوری های آنها.

تفاخر به شهیدان راه حق و رجز خواندن برای دشمن با توجه به فداکاری ها و رشادت های این بزرگان در صحنه های حق علیه باطل، در شعر سپیده کاشانی از جایگاه خاصی برخوردار است. در شعر زیر با عنوان «برای شهیدان»، شاعر، ضمن به تصویر کشیدن شجاعت های شهیدان، به آنها و آرمانشان و سیرتشان فخر کرده است.

ز فریاد تو در آن بی صدایی  
برادر با برادر دوش بر دوش  
همه سر داده بافرمان رهبر

گشود این خلق، بال همگرایی  
غم بیگانگی کرده فراموش  
شعار وحدت و الله اکبر  
زمین در زیر گامی که تازان  
به سان رعد بر دشمن بتازند  
در این مجمر دلیران چون سپندند  
کشیده خر گه دشمن به آتش  
وطن در سلطه آینده سازان  
به راه عشق خالق جان ببازند  
که م بسوزند و این سودا پسندند  
فروکوبند آن عصیان سرکش  
(کاشانی، 1389 : 226 )

بنابراین، وقتی که با به خاک افتادن هر لاله خونی نکفنی، دریچه ای از  
نور در سرزمین ایران، گشوده می شود، معلوم است که بر شهید و شهادت  
افتخار خواهد شد.

از شکاف زخم سرخ هر شهید  
می دمد خورشیدی از نور امید  
(کاشانی، 1389 : 138 )

جوشید از اوج یقین، گل های باور  
گل های ما در خون و در آتش شکفتند!  
گل کرد بر شاخ زمان، گل های سنگر  
با بلبلان آتش آفشان، راز گفتند  
(کاشانی، 1389 : 162 )

از تنگنای قطره هستی چو رستند  
رفتند تا معراج تا اوج حقیقت  
با خون سرخ خود وضو کردند آن ها  
رفتند و بر دریایی از معنا نشستند  
پاروزنان پاک دریای شریعت

در بحر ایمان شستشو کردند آن ها

روزبلند تشنگی انگار کردند

تا خصم بدفرجام را بردار کردند

(کاشانی، 1389 : 164 )

تا دست نامحرم نچیند گل از این باغ

در غربت غم های سنگین ایستادند

تا هم نگردد این فضا جولانگه زاغ

جان را به راه دوست در سنگر نهادند

(کاشانی، 1389 : 164 )

### تهدید و توبیخ دشمن

از پیام ها و درون مایه های اساسی رجز و رجزخوانی، تهدید و ترعیب دشمن است. در ابیات زیر، شاعره سپیده کاشانی، ضمن وصف جنایات دشمن، آنها را تهدید می کند که در هنگام تجاوز و ورود به خاک ایران، سرانجامی جز مدفون شدن در خاک این سرزمین را نخواهند داشت؛ و در ادامه با فخر بر رزمندگان اسلام و تشبیه آنها به شیر، آینده ای جز نابودی را برای دشمن پیش بینی نمی کند.

دشمن ای دشمن سرابت می برد

ای نوای جغدها در حنجره

خانه ظلم تو را ویران کنیم

عاشقان، سر تا به سر ایثار بین

سینه ات آه یتیمان می درد

می سپاری گام بر شب، یکسره

گور تو سرتاسر ایران کنیم

محو دیدار رخ دلدار بین

عاقبت این شیر مردان خدا

برکنند از ریشه بنیان شما

(کاشانی، 1389 : 138 )

رجزخوانی به تسلیم نشدن در برابر دشمن، از دیگر نموده های رجزگونه شعرهای کاشانی است. بعلاوه تهدید دشمن به پرشماری رزمندگان مجاهد، از دیگر ابزارهای تهدید دشمن محسوب می شود.

نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش

کنون رود خلق است دریای جوشان

بتازد به نیرنگ تو توسن من



همه خوشه خشم شد خرمن من

(کاشانی، 1389 : 104 )

در ابیات زیر که نوعی رجزخوانی غیرمستقیم، در آنها قابل مشاهده است، شاعره موردبحث ما، دشمن را با سلاح قلم تهدید می کند. همین نوع رجزخوانی از مضامین جدید رجز در روزگار معاصر به حساب می آید.

رجزخوانی شاعر برای دشمن، تنها می تواند از طریق سلاح قلم و شعر باشد. شاید این پرسش به ذهن برسد که چگونه ممکن است قلم و شعر یک شاعر، برنده تر از خنجر باشد؟ اما پاسخ به این سؤال چندان پیچیده نیست، به این دلیل که شعر شاعر می تواند تأثیر شگرفی در روحیه و ذهن رزمندگان و حتی مردم جامعه داشته باشد و آنها را به پیروزی بر دشمن و مبارزه با او ترغیب کند.

ولی ای شهید، سوگند به شط خون پاکت

ز برای آنکه شب نامه دشمنان نویسم

به مسلسل، قلم، جان چو گلوله می سپارم

پس از این برای دشمن قلم است خنجر من

همه قطره قطره خون من است جوهر من

که ز من به سینه خصم زمان، ابوذر من

(کاشانی، 1389 : 101 )

در اینجا شاعر با استفاده از آرایه حسن تعلیل، رجزخوانی شگرفی انجام داده و معتقد است که سرخی شفق و فلق و یا به عبارت دیگر، طلوع و غروب خورشید به این دلیل است که خورشید تلاش دارد آینده شوم دشمن و کشته شدن او را به تماشا بنشیند.

خورشید از خون سر زند بر خون نشیند

تا شام بدفرجام دشمن را ببیند

(کاشانی، 1389 : 173 )

در ابیات زیر، ضمن تهدید دشمن به شکست درنبرد، شاعر، وی را توبیخ

کرده و راه اشتباه او را مورد ملامت و سرزنش قرار داده است.

گر نشستی کاروان را در کمین

بس کن ای آشوبگر این خیرگی!

می رود شب، صبح می آید یقین

ره سپاری تا به کی بر تیرگی؟

(کاشانی، 1389 : 137 )

**رجزخوانی و تهدید به انتقام.**

از رجزخوانی های غیرمستقیم سپیده کاشانی، تهدید دشمن به انتقام است.

به این معنی که مثلاً در بیت زیر که خطاب به شهیدان جنگ تحمیلی سروده شده، شاعر خطاب به شهیدان گفته شده که انتقام خون آن‌ها را خواهد گرفت، حال آنکه در عین حال، شعر لحن رجزخوانی غیرمستقیم با دشمن را به خود گرفته است.

مسلسل با مسلسل شد برابر

به خون شویم خونت ای برادر!

(کاشانی، 1389 : 226 )

استهزاء و تحقیر دشمن

همان گونه که پیش از این اشاره کردیم، یکی از نمودهای رجزخوانی و یکی از عوامل به وجود آورنده آن، خطاب کردن دشمن با سخنان تحقیرآمیز است. شاعر مورد بحث ما نیز در رجزخوانی‌ها و اشعار رجز گونه اش، از همین ویژگی بهره جسته و برای دشمن رجزخوانی کرده است. در بیت زیر، همین نکته را می‌توان دریافت.

خصم گر عزمشان به غارت بود

عاقبت سهم او حقارت بود

(کاشانی، 1389 : 202 )

تحقیر دشمن در رجزخوانی‌ها می‌تواند با نسبت دادن صفات زشت و ناپسند به او و یا تشبیه دشمن به شخصیت‌های منفی، انجام شود. در شعر زیر، دشمن به اهریمن و دیو تشبیه شده است.

بارند بر ما روز و شب گل‌های باور

اهریمنان شوم آن دیوان سرکش

(کاشانی، 1389 : 162 )

در بیت زیر بر اساس آیه شریفه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» (زمر: 60). مخاطب شعر خود را به سبب روسپاهی در آخرت، تحقیر می‌کند.

روزبلند میعاد کز خاک سر برآریم

بینیم ای منافق روی تو قیرگون است

(کاشانی، 1389 : 32 )

### رجزخوانی به آزادی و تسلیم نشدن در برابر دشمن

از خصیصه‌های شعر مقاومت و دفاع مقدس، رجزخوانی به تسلیم نشدن در برابر دشمن است. به این معنی که گاه، دشمن در نبردها ممکن است به پیروزی‌هایی موقتی نیز دست پیدا کند، در اینجا است که شاعران از زبان رزمندگان لب به رجزخوانی می‌کشایند و به دشمن می‌فهمانند که آنها بیدار نیستند که در برابر این بادهای بلرزند و به این آسانی در برابر دشمن قد خم نمی‌کنند.

گر مکرر شد در اینجا نینوا

شد اگر گلزار میهن لاله گر

گر ز جام شوکران نوشیده ایم

گر به خون آغشت دشمن خاک ما

گشت دست عشق اینجا خون نگار

جامه عزت به تن پوشیده ایم

ما هزاران بار خوانیم این سرود:

سر نمی آریم بر خواری فرود

(کاشانی، 1389 : 136 )

در ابیات زیر نیز، شاعر به خون شهیدان سوگند خورده که در برابر دشمن کوتاه نخواهد آمد و در ادامه نیز به رجزخوانی پرداخته و معتقد است که همین مقاومت نهایتاً به پیروزی ختم خواهد شد.

به شهیدان راه عشق قسم

خویشتن را به سفله نفروشیم

رابت عشق چون برافرازیم

به اسیر راه دمشق قسم

جز به خصم خدای نخروشیم

رسم بیداد را براندازیم

(کاشانی، 1389 : 204 - 205 )

#### تهییج در اشعار سپیده کاشانی

سپیده کاشانی به منزله یک شاعر متعهد به آرمانهای انقلاب و همچنین کسی که شعر را در خدمت مردم و وقایع اجتماعی می داند، همواره تلاش داشته که در کنار و دوشادوش مردم ایران، حرکت کند. هرچند که اشعار کاشانی، غالباً تاریخ سرودن را به دنبال ندارند، اما از عنوان، محتوا و درون مایه می-توان شرح سرایش بسیاری از آنها را دریافت. در بین آثار کاشانی ب هاسانی م بتوان اشعاری را که در سال های پیش از انقلاب و در نزدیکی پیروزی انقلاب اسلامی ایران سروده شده، ردیابی کرد. محتوا و مضمون این اشعار، سراسر تهییجی است، چه در آن موقع، جامعه نیاز

به یک دعوت عمومی به قصد قیام و خیزش در برابر ستمگران پهلوی را احساس می نمود. اشعار تهییجی کاشانی غالباً دو خواست و جهت را جستجو می کنند؛ در سال های نخستین انقلاب و با توجه به اوضاع موجود، شاعره موردبحث ما، مردم را به اتحاد و پیروی از امام و رهبری فراخوانده است.

دسته دوم اشعار کاشانی، متعلق به زمان جنگ است که در همه آنها، مخاطب به جهاد و بسیج در برابر دشمن سرتاپا مسلح، دعوت شده است.

در این بخش اشعار انقلابی روانشاد سپیده کاشانی را موردبررسی و تحلیل قرار داده ایم.

#### ترغیب به مقاومت و ایستادگی

در اشعار سپیده کاشانی استقامت و پایداری، جایگاه بسیار ویژه ای دارد. به همین سبب، کاشانی یکی از راه های اصلی پیروزی درنبرد و قیام را، مقاومت و صبر و مداومت در برابر دشمنان عنوان کرده است. در بیت زیر ضمن تشبیه دشمن به خاری که در کنار گل های وطن روییده، ریشه کن شدن این خار را از باغ وطن، با استفاده از سلاح مقاومت ممکن دانسته است.

نشسته خصم خاروش به ساقه نگاه تو

به حربه مقاومت بکن ز ریشه خار را

(کاشانی، 1389 : 21 )

در ادبیات فارسی، کوه یکی از نمادهای اصلی مقاومت و ایستادگی است. کاشانی در بیت زیر، در یک تشبیه مضمّر- تفضیل، دلاوران ایران را به کوه تشبیه کرده و سپس آنها را از کوه هم برتر دانسته است و همین امر، نقش ویژه‌ای در تهییج شعر وی ایفا کرده است.

دعای ما نثارت ای دلاور دلیر ما

که استقامتت خجل نموده کوهسار را

(کاشانی، 1389 : 22)

از ویژگی‌های مهم و البته زنانه‌سپیده کاشانی، حضور و ظهور جنبه‌های زنانگی در اشعار اوست؛ به عبارت دیگر، هما‌نطور که او مردان را در اشعار

خطاب قرار می‌دهد، در مواردی مستقیماً زنان را مخاطب خود قرار داده و ویژگی‌های مختلف را در درون آنها برانگیخته است. در شعر زیر وی زنان را به مقاومت و پایداری در برابر دشمن دعوت کرده است.

ای مسلمان ای زن ایران زمین

پایداری پایداری ساز کن

ای دلت خونین ز جور خصم دین

خیز و حق را در جهان آواز کن

(کاشانی، 1389 : 153)

#### ترغیب به جهاد در برابر مستکبران و صهیونیست

از مضامین برجسته و حائز اهمیت در شعر و ادبیات معاصر، ترغیب به قیام و جنگ با رژیم صهیونیستی است. اشعار درای نباره، یکی از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های ادبیات پایداری معاصر است. شاعره موردبخت ما، سپیده کاشانی، در همدلی و همدردی با ملت فلسطین و نیز در ترغیب به مقابله با این دشمن اسلام و ایران، اشعاری را سروده است که می‌توان به شعر زیر اشاره کرد.

نمود گلشن من تاراج به آشکار و به پنهانی

بگیر دست مرا ای دوست که گاه حیلۀ صهیون است

بسوز پرچم صهیون را بسوز رایت استکبار

شکست قامت سرو من کجاست دست مسلمانی

نگر که خانه و گلزارم ز خصم یکسره در خون است

چو گشت یکسره خاکستر بسوز باز تو دیگر بار

(کاشانی، 1389 : 150 - 151)

عناصر تهییجی شعر «تاراج گلشن از سوی دشمن»، «شکستن قامت سرو»، «حیلۀ صهیون»، «خانه و گلزار در خون» و در مقابل آن، «کجاست دست مسلمانی»، «بگیر دست مرا»، «نگر که...»، «بسوز پرچم صهیون».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از دودسته مضامین ترغیبی استفاده شده؛ نخست توصیف وضعیت جنگ زده ایران و مسلمانان و در ادامه بعد از آماده کردن مخاطب، ترغیب و برانگیختن وی به مقابله با دشمن.

درهای آسمان باز ای رهروان عاشق

خونی که کرد رنگین محراب کوفیان را

هنگام پر زدن از هنگامه درون است

اینک روان ز فرق مردان مرز خون است

(کاشانی، 1389 : 31 - 32)

**ترغیب به پیروی از راه شهیدان.**

یکی از درون مایه های مهم شعر جنگ و مقاومت، بعد از روزگار جنگ، ترغیب به پیروی از آرمان-های شهیدان و یادکرد یاد و خاطره شهیدای جنگ تحمیلی است. همین نکته از چندین جهت دارای اهمیت و ارزش است؛ نخست اینکه یاد شهیدان همیشه زنده می شود. دوم اینکه با اصرار به پیروی از راه شهیدان، صراطی مستقیم برای مردم این روزگار مشخص می شود. سوم اینکه مردم با به یادآوردن دلاوری های شهیدان، روحیه از دست رفته خود را بازمی یابند و نبرد با دشمن را می آموزند. در ابیات زیر، کاشانی ضمن وصف ویژگی های والای شهدا، در بیت آخر با جمله ای تهییجی، مخاطبان را به پیروی از راه آن ها ترغیب می کند.

گر به عبرت زین گذر گه بگذرید

این قبیله از تبار انبیاست

بال بر بال ملانک سوده اند

ره درون رازها دادندتان

وای اگر حرمت نداری راهشان!

یاد از گل های پرپر آورید

رایت گلگونشان بر دوش ماست

هفت وادی جون پیموده اند

جاودان شد باخدا پیوندتان

در شما افتد شرر از آهشان

(کاشانی، 1389 : 134 - 135)

در شعری که با عنوان «شهید» و برای شهیدان عرصه ایثار سروده است، شهیدان را مخاطب شعر خود قرار داده و از آنها خواسته که از بستر شهادت برخیزند و با دشمنان جدید ایران و اسلام به نبرد و ستیزه برخیزند. همین نکته نوعی ویژگی تهییجی به شعر بخشیده است چراکه سایر مخاطبان با شنیدن این اشعار، به خود می آیند و در ادامه دادن راه شهیدان مبادرت می ورزند.

ای اختر برج شرف برخیز برخیز!

بار دگر سر کن سرود لاله ها را

بار دگر با دشمن دیرینه بستیز

روشن کن از دیدار خود چشمان ما را

(کاشانی، 1389 : 171)

**دعوت به قیام**

اشعار دعوت کننده به قیام سپیده کاشانی را با توجه به اینکه تاریخ سرودن ندارند و نیز در بسیاری از آنها اشاره ای به نوع دشمن نشده، نمی توان به قیام در برابر دشمنان داخلی و قیام در برابر دشمنان خارجی، تقسیم بندی کرد. در شعر «حماسه پایداری» شاعر با استفاده از عناصر تهییجی مختلف، شور و هیجان عدالت خواهی را در مخاطبان شعر خود برانگیخته است. ردیف «برخیز» در بیت نخست یک عامل اثرگذار در شعر است، همچنین در ابیات سوم و چهارم، فعل امری «باید» اختیار را از مخاطب سلب کرده و مستقیماً از او خواسته که در برابر زورگویان قیام کند.

زندانی زندان غم برخیز!

مرداب را بنگر چه دلگیرست

امروز باید بر سیاهی تاخت

باید اساس فتنه ویران کرد

ای مانده در بند ستم برخیز

فردا اگر خیزی ز جا دیرست

باید که از امروز فردا ساخت

باید نگون تخت امیران کرد

(کاشانی، 1389 : 174 )

در ابیات زیر، دعوت به قیام و نهضت مردمی در ضمن تشبیه آنها به «غنچه نرگس» از ایشان خواسته است که بر فراز شاخه های عدالت جوانه بزنند و عدل را سرسبز و بارور کنند؛ و در ادامه نیز با توصیف ستم دشمنان، مخاطب را به تغییر قضا و قدر دعوت کرده است.

ای غنچه نرگس شکوفا شو

میلاذ عدل، ای آشنا با توست

دنیا به کام فتنه می سوزد

بر شاخسار معدلت وا شو

بشتاب تغییر قضا با توست

دست نفاق، آتش م یافروزد

(کاشانی، 1389 : 176 )

کاشانی در شعری دیگر، بیت دوم از سه بیت پیشین را با تفاوت های بسیار جزئی چنین تکرار کرده است، عناصر تهییجی: تکرار «بشتاب» در هر دو بیت.

عدل الهی آشنا با توست

بشتاب و بنگر دیده دریا شد

بشتاب تغییر قضا با توست

این بحر را گاه تماشا شد

(کاشانی، 1389 : 195 )

ترغیب به پیروی از امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب مدظله العالی حرکت و پیروی تحت فرمان رهبر واحد، یکی از عوامل اصلی پیروزی در

قیام ها و همچنین مبارزات است. سپیده کاشانی نیز به منزله یک شاعر آگاه به این اصول، مردم ایران را برای پیروزی درنبرد با استکبار، به پیروی بی چون و چرا از دستورات امام خمینی (ره)، دعوت کرده است. در بیت زیر این نکته را در ضمن ترغیب به اتحاد و یکپارچگی، با تعبیر «سربازی» و «سر باختن» اشاره کرده است.

هم سنگران، ما را در این ره گفتگوهاست

راهی طویل و پرخطر در پیش داریم

باید که از دستان خود زنجیر سازیم

دریادلان در پیش رو دریاست، دریاست

باید که دشمن سوز، سر در ره گذاریم

سرباز «روح الله» شویم و سر ببازیم

(کاشانی، 1389 : 166 - 167)

در شعر زیر، بیعت با امام خمینی ره را بیعت باخدا می داند و پس از آن، ضمن معرفی رهبر معظم انقلاب و تأکید بر سیادت آن بزرگوار، دو بیت می آورد و مردم را به تبعیت و یاری دادن به ایشان دعوت می کند.

آن دلیلی که نور هدا داشت

او دمی کی ز امت جدا بود؟

اینک این نازنین رهبر از اوست

بود پیری که عشق خدا داشت

بیعتش بیعت باخدا بود

زاده پاک پیغمبر از اوست

خیز با یاری او بتازیم

دشت ها را گل عشق پاشیم

آشیان های ویران بسازیم

یار و همراه و همراز باشیم

(کاشانی، 1389 : 229)

**ترغیب به هوشیاری و بیداری و اتحاد**

در شعر مقاومت و شعر جنگ، دعوت به هوشیاری و اتحاد، یک ویژگی لاینفک به حساب می آید؛ زیرا هر فتح در سایه هوشیاری و اتحاد و طبعاً حفظ آن فتح، به مدد همین دو عامل ممکن و میسر خواهد شد. در بین اشعار سپیده کاشانی، ابیاتی را می توان یافت که مخاطب را به رعایت همین مسائل، فراخوانده است. در دو بیت زیر، با استفاده از شبه جمله های «هان» و «میادا»، مردم ایران را دعوت به بیداری و هوشیاری درنبرد با دشمن کرده است.

عزمتان آزاد همردان و زنان!

هان مبادا خصم بر حاصل زند

حق نشاند بر بلندای جهان

تکیه بر ارکان حق باطل زند

(کاشانی، 1389 : 153 )

در ابیات زیر نیز در لفافه تشبیه و تصویر، با استفاده از عناصر طبیعت، مخاطبان خود را به اتحاد و جو شوخروش در مقابل دشمن برانگیخته است.

گشتیم تا با معجر یاری

آموختیم از بحر، پیوستن

از چشمه رمز و راز جوشیدن

در تاروپود لحظه ها جاری

خورشیدوار از دام شب رستن

از رعد، بر دشمن خروشدن

(کاشانی، 1389 : 174 )

تهییج سپاهیان ایران درنبرد با دشمن بعثی با تشویق آنها به فتح کربلا و دوستی با اهل بیت (علیهم السلام).

یکی از نکات مهم در پیروزی سپاهیان ایران، درنبرد با دشمن بعثی، کربلا و قبور متبرکه امامان معصوم، در خطه عراق بوده است. به همین دلیل، یکی از بن مایه های حائز اهمیت در تشویق سپاه ایران اسلامی، در طول سالیان جنگ تحمیلی استفاده از رمزها و شعارهای کربلایی است. در شعر زیر، سپیده کاشانی با استفاده از همین موضوع، مخاطب خود را ترغیب به ادامه جنگ تا پیروزی واقعی و فتح کربلا می کند.

تا سرزمین کربلا راهی نماند هست

شورآفرینان، کربلا در انتظار است!

مهدی می آید با شما سنگر به سنگر

در سینه دشمن به جز آهی نماند هست

با جمل هتان میر نجف در انتظارست!

منزل به منزل کو به کو تا فتح آخر

(کاشانی، 1389 : 149 )

در بیت آخر از ابیات پیشین، شاعر به همراهی حضرت قائم (عج) با سپاهیان و رزمندگان ایران زمین، اشاره کرده و از همین نکته برای ترغیب و تشویق و بالا بردن روحیه رزمندگان استفاده کرده است. همین نکته را می توان در ابیات زیر نیز بازیافت. سپیده کاشانی در این ابیات، از جنایات بزرگ دشمن را «شهید کردن محبان اهل بیت»، یادآوری می کند و خواننده را به مبارزه با آنها دعوت می کند.

اهریمنان از بس فسون کردند

دشمن، محبان کسا را کشت



کشتند یاران محمد را  
مهد امان را رود خون کردند  
در کعبه مهمان خدا را کشت  
آن عاشقان دین احمد را  
(کاشانی، 1389 : 194 )

#### ترغیب به حفظ ارزش های دینی و کمک به پاسداران دین.

در کنار تمام مفاهیم و مضامین ارزشمند و ترغیب به انجام آنها، دعوت به حفظ ارزش های دینی و اسلامی و یاری رساندن به پاسداران این ارزش ها، یکی از موضوعات برجسته و ارزشمند اشعار سپیده کاشانی است. در شعر زیر، شاعر با افعال امری، خواننده را به رعایت این نکات فراخوانده است.

اینک ای یاران زمان جستجوست

امت توحید را یاری دهید

ارمغان، این صبحگه از سوی ماست

نی زمان های و هوی و گفتگوست

دردمند خسته دلداری دهید

پاسداری از حریمش با شماست

(کاشانی، 1389 : 133 - 134 )

#### نتیجه

شاعران مقاومت و ادب پایداری در اشعار قبل و بعد از انقاب و نیز در اشعاری که برای دفاع مقدس سروده اند یکی از مهم ترین کارکردهای شعر و کلام منظوم؛ یعنی عنصر تهییج را برای تأثیر بر مخاطبان به کار بسته اند.

سپیده کاشانی در اشعار قبل از انقلاب خود، از رجز و کارکردهای تهییجی آن برای برانگیختن مردم به قیام علیه حکومت پهلوی استفاده کرده است.

کاشانی در اشعاری که برای آغاز جنگ و هجوم عراق به ایران سروده است، از جنبه های تهییجی شعر برای بالا بردن روحیه رزمندگان در جنگ استفاده کرده است و نیز در اشعاری که بعد از پیروزی در عملیات سروده با کارکردهای رجز در تحقیر دشمن و تحسین نیروهای خودی، تلاش کرده است یک وفاق و غرور ملی را در بین رزمندگان و کل مردم ایران فراهم سازد.

منابع

1- قرآن کریم.

2- بهار، مهرداد، (1373) جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکر روز.

3- داد، سیما، ( 1382 )، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.

4- ستوده، غلامرضا، (1374) نبرد روانی در جنگ های رستم، نمیرم ازین پس که من زنده-ام، تهران: دانشگاه تهران.

5- شمیسا، سیروس، (1373) انواع ادبی، تهران: فردوس.

- 6- صفا، ذبیح الله، (1363) حماسه سرایی در ایران (از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری)، تهران: امیرکبیر.
- 7- فلاح، غلامعلی، (1385) رجزخوانی در شاهنامه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران، س 14، ش 54 و 55، صص 107 - 130.
- 8- کاشانی، سپیده، (1389) مجموعه آثار سپیده کاشانی، تهران: موسسه انجمن قلم ایران.
- 9- معین، محمد، (1375) فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- 10 - نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر، (1366) چهارمقاله، تهران: صدای معاصر.
- 11 - نوروزی، محمدجواد، (1372) پژوهشی در خصوص جایگاه جنگ روانی در اسلام، مجله معرفت، شماره 6، صص 55 - 66.